

صادرات غیر نفتی و تجربه‌ای از گذشته‌ها

نوشته مهدی بهشتی‌پور

گرفتاریهای داخلی اقتصادی ما، وضع تجارت جهانی و سیاست‌های دولت آمریکا که صدمات بر محور تحریم و در تنگنا قرار دادن اقتصاد کشورمان دور می‌زند ایجاب می‌کند موضوع صادرات، و مخصوصاً صادرات غیر نفتی را جدی، و دور از پسنداره‌های واهی و یا برنامه‌ریزی‌های مقطعی (که متأسفانه گاهی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا عملی) مورد توجه قرار دهیم.

اقتصاد ما از یک دیدگاه شکننده و آسیب‌پذیر است، اما از دیدگاهی دیگر می‌تواند اقتصادی پویا و پایدار باشد.

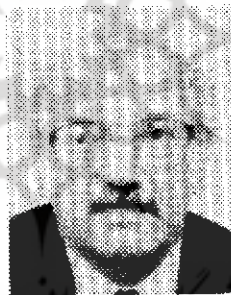
شکندگی اقتصاد ما به این دلیل است که عمده منابع ارزی آن بردرآمدهای حاصل از فروش نفت انکا دارد و وضع بازار بین‌المللی نفت، میزان عرضه و تقاضا و نقش مخرب کارتل‌های نفتی (غیر از اوپک) شرایطی ایجاد کرده که انکا به این منبع درآمد را همچون تکیه زدن بر دیواری در حال فروریختن، خطرناک ساخته است.

اگر به اخبار بازار جهانی نفت نگاهی بیندازیم در می‌یابیم گردانندگان این بازار با تمام قوا می‌کوشند با کشف و استخراج منابع نفتی جدید، برای تولیدکنندگان اصلی کنونی نفت رقباتی ایجاد کنند. سرمایه‌گذارهای هنگفت کمپانیهای فراملیتی نفتی در ویتنام-چین-قزاقستان-گینه پایوله-جمهوری آذربایجان و بسیاری مناطق دیگر جهان مؤید این واقعیت است. آنها کوشیده‌اند و باز هم خواهند کوشید قیمت نفت را در سطح نازلی قرار دهند و بنابراین کمتر می‌توان امید داشت که بهای نفت به این زودی‌ها صعود کند و گشایشی در وضع درآمدهای ارزی ما ایجاد شود.

از طرف دیگر، سیاستمداران آمریکائی اخیراً لبه تیز حملات اقتصادی خود را به سوی بازارهای نفتی ما نشانه گرفته‌اند و گرچه بعد از لغو قرارداد کمپانی آمریکائی کونوکو، کمپانی نفتی فرانسوی توتال قرارداد مشابهی را با ما امضاء کرد، اما این پایان کار نیست و آمریکائیها خواهند کوشید به صادرات نفت ایران از هر طریق ممکن ضربه بزنند. به عنوان شاهد مثال، اقدامات اخیر رهبران کسنگره آمریکا، و مخصوصاً جمهوری خواهان برای گسترده‌تر کردن دامنه تحریم‌ها علیه ایران قابل ذکر است و با فرض این که خوانندگان

محترم پیشنهادات و سخنان سناتور آلفونس دوماتو (جمهوری خواه) و نسپوت گینگریچ رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در هفته‌های اخیر را مطالعه کرده‌اند، از ذکر جزئیات بیشتر در این زمینه خودداری می‌شود. دلیل شکنندگی اقتصاد ما همین انکای آن به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت است، در حالی که اگر به دیگر امکانات بالقوه اقتصاد کشور توجه شود، و این امکانات را بالفعل کنیم می‌توانیم اقتصاد کشور، و از جمله صادرات غیر نفتی را چنان سرو سامان دهیم که نگرانی‌هایمان از این بابت تا حد زیادی کاهش یابد.

توجه به صادرات غیر نفتی از اواسط جنگ تحمیلی در دستور کار دولت وقت قرار گرفت و هم اکنون نیز در برنامه‌های دولت قرار دارد و حتی می‌شنویم که وزیر صنایع در مصاحبه‌ای می‌گوید در ده سال آینده ارزش سالانه صادرات غیر نفتی ما به ۲۰ میلیارد دلار (حدود ۵



مهدی بهشتی‌پور

میلیارد دلار بیشتر از درآمد صادرات نفتی کنونی) خواهد رسید. اما از سوی دیگر در مطبوعات می‌خوانیم بر اثر اجرای سیاست‌های جاری اقتصادی، حجم و ارزش برخی از عمده‌ترین اقلام صادراتی غیر نفتی ما کاهش یافته است (مثلاً طبق اظهارات آقای دامادی نایب رئیس کمیسیون بازرگانی مجلس شورای اسلامی میزان صادرات فرش کشور در ۶ ماهه اول امسال در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳۳ درصد کاهش یافته است)

مجموعه این اوضاع و احوال ایجاب می‌کند کارشناسان و مطبوعات به امر صادرات غیر نفتی توجهی ویژه داشته باشند و این مبحث را از دیدگاه‌های علمی و عملی نوری مورد ارزیابی قرار دهند؛ که خوشبختانه این توجه و حساسیت در حد امیدوارکننده‌ای طی ماههای اخیر میدول شده و ما شاهد طرح مباحث گسترده گوناگونی در صفحات جراید کشور، و از جمله همین ماهنامه بوده‌ایم.

یکی از اظهارنظرهای قابل توجه در این باره، که در نخستین شماره مجله شباب چاپ شده، به قلم آقای دکتر محمد علی اسلامی ندوشن است. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «جوانان، آموزش و فردا» به نکته‌ای اشاره کرده است که باید مورد توجه قرار گیرد و من بر آن شدم تا ضمن نقل بخشی از آن، از هموطنان عزیز و دولتمردان بخوام که آن را مورد توجه قرار دهند.

آقای اسلامی ندوشن می‌نویسد: طی این پنجاه ساله ما پیش از حد بر نفت تکیه داشته و از سایر جوانب زندگی غافل مانده‌ایم. نفت در کشورهای سنتی (که فروشنده آن بوده‌اند نه صاحب صنعت) این عیب را داشته است که همه چیز را در سطح حرکت دهد و اصل و پایه را معطل ورها شده بگذارد. در این کشورها بزرگترین مشکلات دست یافتن به توازن بوده است. اگر از نفت حرف به میان آوردم، برای آن است که در امر آموزش و فرهنگ و اخلاقیات ما عمده‌ترین تأثیر داشته است...

با مطالعه مقاله مذکور، خاطرات گذشته من نیز در ارتباط با این موضوع زنده شد و مرا به نقل ماجرائی وادار کرد که شاهد آن بوده‌ام:

شادروان دکتر محمد مصدق در دوره شانزدهم (۱۳۲۹ شمسی) برای چندمین بار از طرف مردم تهران به نمایندگی در مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در این دوره برای استیفای حق ملت ایران در زمینه نفت، در چارچوب نهضتی که بعدها به نام «جهه ملی ایران» شناخته شد به مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس، دولت انگلیس و حوامشانش پرداخت و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت را از تصویب مجلس شورای ملی و سنا گذراند. وی در اردیبهشت ۱۳۳۰ برای اجرای این قانون و خلع ید از شرکت نفت سابق، نخست وزیری ایران را قبول کرد و گام‌های مؤثری در جهت احقاق حق ملت ایران برداشت. در تیرماه ۱۳۳۱ با اینکه مجلس جدید (دوره هفدهم) به نخست‌وزیری او رأی تمایل داده بود، به سبب اختلاف با محمدرضا پهلوی برای تصدی وزارت دفاع، از تشکیل دولت جدید امتناع کرد.

محمدرضا پهلوی پس از یک روز، قوام السلطنه را به نخست‌وزیری منصوب کرد، ولی ملت ایران با قیام سی تیر همان سال، مجدداً مصدق را به نخست‌وزیری برگزید و به او امکان داد که راهش را در جهت تأمین و تضمین حاکمیت و استقلال کشور ادامه دهد. در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ از طرف بیگانگان، شاه،

درباربان و عوامل آنان به علت موفقیت‌های نهضت ملی ایران، و مخصوصاً به دلیل ملی شدن صنایع نفت و کوهانه شدن دست غارتگران خارجی و مزدوران آنها از منابع ملی ایران، تفضیاتی برای دولت ملی دکتر محمد مصدق ایجاد شد و در نتیجه صادرات نفت ایران به خارج متوقف گردید و درآمد نفت که مثل امروز رقم عمده درآمد دولت را تشکیل می‌داد قطع شد و کشور ما دچار کمبود ارز گردید. اما دولت دکتر مصدق پس از انجام مطالعات کافی و بررسی امکانات بالقوه کشور متوجه شد که این شرایط غیرمنتظره را می‌تواند از راه توسعه صادرات غیرنفتی، محدود کردن واردات کالاهای لوکس و غیرضروری، حمایت مستقیم از صنایع غیروابسته، تشویق صاحبان صنایع و بازرگانان داخلی، مکانیزه کردن کشاورزی ایران و دادن کمک به

اقتصاد کشور و رفاه مردم گام‌های مؤثری بردارند و هیچ عاملی هم نتواند مانع آنها شود.

حتی پس از کودتا...

گفتنی است حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق، عمده‌لواایح اقتصادی این دولت مورد تأیید بسیاری از شخصیت‌ها و صاحبان اقتصاد قرار گرفت. در شرایط بسیار سخت پس از کودتا که مطبوعات ایران زیر سانسور شدید رژیم قرار داشت در شماره ۵۹ مورخ اول خرداد ۱۳۳۲ نشریه «تهران اکونومیست» که این جانب هم با آن همکاری داشتم، طی مطلبی خطاب به نمایندگان مجلس شورای ملی نوشته شد: در این موقع که بحث لواایح آقای دکتر مصدق در مجلس مطرح است و می‌خواهند

واقعاً می‌توانیم سالی ۲۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته باشیم؟

کشاورزان و دامداران برای تولید اضافی جهت صادرات جبران کند و در آینده (یعنی بعد از سرگیری صادرات مجددنفت) نیز عمده درآمد حاصل از این متر را در راه توسعه صنایع (مخصوصاً صنایع مولد) و احداث بزرگراهها، ایجاد مدارس و دانشگاههای جدید و در نهایت برای عمران و آبادانی کشور صرف کند.

به همین دلیل غالب تولیدکنندگان و صاحبان صنایع (در آن دوران عمده کارخانه‌ها کوچک و ماشین‌آلات آنها قدیمی بود) تا آنجا که توانستند برای افزایش میزان تولید خود کوشیدند و موفق هم شدند. بدین ترتیب بود که بواسطه برنامه‌ریزی صحیح دولت دکتر مصدق و همکاری همه گروههای مولد اقتصادی (کشاورزان، تولیدکنندگان، بازرگانان) و سازمانها و گروههای ملی سیاسی و مذهبی، سنابر آمار گمرکی در سال ۱۳۳۱ شمسی بیش از ۵۰۰ میلیون ریال و در سال ۱۳۳۲ حدود ۳ میلیارد ریال صادرات غیرنفتی ما بر واردات ما فزونی پیدا کرد، و جالب اینکه بازارهای داخلی هم با هیچ کمبودی نه از لحاظ مواد خام و نه از لحاظ مواد غذایی روبرو نشد.

شاید این مقدار صادرات غیرنفتی در مقابل بودجه کل کشور، حتی در آن زمان که ارزش ریال بسیار بالا بود، چندان قابل توجه نباشد ولی همین که دولت وقت توانست با وجود آنهمه مشکلات داخلی و خارجی، اقتصاد کشور را در مدتی کوتاه از وابستگی به نفت و عوامل خارجی نجات دهد، و ارزش صادرات غیرنفتی را بیشتر از واردات کند، نشان‌دهنده این است که دولت‌های متکی به نیروی ملت می‌توانند در جهت توسعه

نخست و قبل از همه باید آمار واقعی تولیدات صنعتی، کشاورزی و دامداری و سایر کالاهای قابل صدور را فراهم کرد و در دسترس صاحبان قرار داد تا بتوان براساس ارقام واقعی - نه تبلیغاتی - برای صادرات غیرنفتی و مقدار و شرایط آن برنامه‌ریزی کرد. در زمینه آمار، ما نه فقط با کمبود مواجه هستیم، بلکه غالباً با ارقام و آمار متفاوتی مواجه می‌شویم که موجب سردرگمی و برنامه‌ریزی غلط می‌شود.

دیگر آنکه هرگز نباید میزان صادرات غیرنفتی را تا بدان حد افزایش داد که قسمت اعظم تولید این گونه کالاها بدون در نظر گرفتن مصرف داخلی به خارج صادر شود و طبقه متوسط و کم‌درآمد قادر به خرید فرآورده‌های داخلی نباشند. متقابلاً نباید صادرات این گونه کالاها را به قدری کاهش داد که بتوان تمام ظرفیت مصرف داخلی را به ضرر تولیدکنندگان تأمین کرد. تشخیص چنین میزانی، چنانکه در بند نخست آمد، منوط به دسترسی داشتن به آمار دقیق، و سپس تعیین رقم صادرات و مصرف داخلی است.

در هر صورت، لازم است تشخیص و تعیین میزان اقلام صادراتی، با توجه به آمار دقیق فصلی و سالانه به نحوی باشد که هم مصرف داخلی را تأمین کند تا از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در داخل مملکت جلوگیری شود، و هم صدور آنها بتواند ارز کافی به کشور بازگرداند.

یک اقدام ضروری دیگر تدوین یک سیاست پولی منسجم و درازمدت است. نوسان شدید بین ارزش ریال و ارزها وضعی را پیش می‌آورد که همین اواخر شاهد آن بودیم. افزایش بی‌رویه قیمت دلار و سایر ارزها باعث رونق صادرات (حتی صادرات مایحتاج عمومی) شد، اما همانطور که خود مسئولان هم اذعان دارند قسمت اعظم ارز حاصل از این صادرات به کشور باز نگشت. ناگزیر آنها صادرات به اتخاذ تصمیمات جدیدی کردند که یکباره موجب افت صادرات شد.

نهایت این که با سپردن کار به مسئولان کاردان و متخصصان مجرب و بهره‌برداری درست از منابع غنی کشور می‌توان امیدوار بود وضع اقتصاد بیمار ما بهبود یابد و از تورم لجام گسیخته جلوگیری شود. باید برنامه‌های حساب شده و اقدامات قاطعی در جهت عدم اتکاء به درآمد نفت طراحی و اجرا شود تا همانند دوران زمامداری دکتر محمد مصدق صادرات غیرنفتی ما به بیش از واردات کالاهای مختلف برسد و شرایطی فراهم گردد تا اگر ارزی از محل صادرات نفت عاید می‌شود به مصرف برنامه‌های توسعه برسد و نه تأمین کره، گوشت، برنج، شکر، گندم و حتی پارچه وارداتی!

قسمتی را که به نفع بعضی از طبقات نیست لغو نمایند، لازم است متذکر شویم که اکثر لواایح اقتصادی دولت سابق (دولت مصدق) مفید به حال کشور است...

ولی همانطور که می‌دانیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دستاوردهای دولت دکتر مصدق متأسفانه ناپدید شد، خود اتکایی اقتصادی را از بین بردند و لذا اقتصاد ما مجدداً یک اقتصاد وابسته شد: واردات کشور، مخصوصاً واردات کالاهای لوکس و تجملی و غیرضروری به چند برابر صادرات غیرنفتی رسید، تولید برخی کالاهای صنعتی و کشاورزی تا مدت‌ها کاهش فراوان یافت، بسیاری از صاحبان صنایع ضرر کردند، عده زیادی در سراسر کشور بیکار شدند و...

همانطور که در سطور بالا ذکر کردیم، در سالهای اخیر مباحث زیادی برای پایان دادن به دوران وابستگی اقتصاد ما به نفت در جریان بوده است و تا حدودی نیز برای افزایش صادرات غیرنفتی برنامه‌ریزی شده است و شاید در پایان سال جاری وعده‌های برخی مقامات تحقق یابد و ارزش صادرات غیرنفتی به بالاتر از پنج میلیارد دلار هم برسد. ولی حتی در صورت صدور این مبلغ کالا باز هم صادرات ما نسبت به واردات خیلی کم است.

برای کاستن از واردات، افزایش صادرات غیرنفتی و تحقق بخشیدن به آرزوی رهائی از اتکاء به اقتصاد تک محصولی، یک بازنگرایی همه جانبه در سیاست‌هایی که تاکنون در این زمینه اجرا شده، ضروری است. به عنوان چند سرفصل، لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد: